

پایان ماه عسل در جنوب خلیج فارس!

نویسنده: دکتر هوشنگ گنجی

بر خلاف سر و صدایی که ایالات متحده آمریکا به راه انداخته، خطری که منافع نامشروع کشور مزبور را در خلیج فارس تهدید می‌کند، نه صدام حسین است و نه بنیادگرایی جمهوری اسلامی ایران. این خطر، پوسیدگی و فساد آرام، اما غیرقابل برگشت ساختار اقتصادی-سیاسی متحدان اصلی آمریکا در منطقه است. یعنی، کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس که عبارتند از: عربستان سعودی، کویت، قطر، عمان، امارات عربی متحده و بحرین.

دلمشغولی پیوسته‌ی واشنگتن برای ادامه‌ی جریان نفت، همیشه مانع آن بود تا متوجه شود که «ماه عسل» بیست ساله‌ی سیاسی-اقتصادی این کشور به پایان رسیده است.

ویژگی «ماه عسل» اقتصادی، افزون بر مسایل و مشکلات دیگر، عدم توجه به اصل بودجه‌بندی بود. این مسأله باعث شد که حتی مسأله‌ی اولویت میان هزینه‌ها نیز نادیده گرفته شود. افزون بر آن «سفره‌ی درآمد نفتی، چنان پهن گسترده شده بود که حتی در قالب نامتوازن‌ترین شکل توزیع، همه‌ی گروه‌های اجتماعی از نوعی بهبود زندگی بهره‌مند شده‌اند. بیکاری، مفهوم ناشناخته‌ای بود و حکومتها همیشه ادعا می‌کردند که ظرفیت استخدامی کشور برای استخدام (چه داخلی و چه خارجی)، پرناشدنی است. فوران پول و ثروت، باعث شد که خاندان‌های حکومتی و حتی توده‌های عادی مردم، توجهی به مسایل سیاسی نکنند. در نتیجه گروه حاکم در این

کشورها هرگز احساس نکرد که نیازی به تقسیم قدرت با دیگران دارد. جز این، آنان هرگز به این فکر نیفتادند که مسی‌بایست در مشروعیت و اعتبار حکومت، بازنگری شود. این که روزگاری پدرانشان به زور شمشیر و یا حمایت خارجی (با هر دو با هم)، این قطعه خاک را متصرف شده‌اند، نمی‌تواند پایه‌های لازم برای مشروعیت حکومت در این دور و زمانه باشد.

«ماه عسل» واحدهای سیاسی جنوب خلیج فارس، دستاورد افزایش بیسابقه‌ی قیمت نفت در دهه‌ی ۷۰ میلادی بود. در فاصله‌ی ژانویه ۱۹۷۳ تا ۱۹۷۴، قیمت نفت خام خلیج فارس از شبکه‌ای ۲/۵۹ دلار به شبکه‌ای ۱۱/۶۵ دلار رسید. درآمد کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس در همین زمان از ۵/۱۱ میلیارد دلار به ۴۲/۰۸۵ میلیارد دلار افزایش پیدا کرد. در بحبوحه‌ی جنگ ایران و عراق، یعنی در سال ۱۹۸۰، کشورهای مزبور در اثر افزایش بیسابقه‌ی قیمت نفت به درآمدهای افسانه‌ای دست یافتند. رقم درآمد مجموع کشورهای مزبور به ۱۴۹ میلیارد دلار رسید که تنها سهم عربستان سعودی از آن ۱۰۲/۵ میلیارد دلار بود.

از سوی دیگر واردات کشورهای مزبور نیز از حدود ۳/۵ میلیارد دلار در سال ۱۹۷۲ (۱۳۵۱ خورشیدی) از مرز ۵۲ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۲ (۱۳۶۱ خورشیدی)، فراتر رفت. بدین سان، کشورهای مزبور در فاصله‌ی میان سالهای ۸۲-۱۹۷۲، با بر خورداری از یک موازنه‌ی بازرگانی مثبت به میزان ۶۶ میلیارد دلار، حجم پس‌اندازهای خود را به طرز بی‌سابقه‌ای افزایش دادند. اما، قیمت نفت و در نتیجه درآمدهای نفتی، گرچه

خوش درخشید، اما مستعجل بود. قیمت نفت خام، سیر نزولی گرفت و در سال ۱۹۸۶ (۱۳۶۵)، به بشکه‌ای ۱۴ دلار کاهش یافت. در نتیجه جمع درآمدهای نفتی کشورهای مزبور از ۱۴۹ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۰ به ۳۸/۵ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۶ کاهش پیدا کرد.

گرچه قیمت نفت و مرقع اقتصادی منطقه‌ی جنوب خلیج فارس از آن زمان (۱۹۸۶) بهبود یافته، اما در حقیقت دوران بی‌خبری و سرمستی از دلارهای نفتی سالیانست پایان یافته است. با این وجود حکومت‌های منطقه بدون توجه به این حقایق کوشیدند تا با ادامه‌ی هزینه‌ها، «ماه عسل» را طولانی‌تر کند.

در دهسال گذشته، متوسط کسری بودجه کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس، سالانه حدود ۵ درصد درآمد ناویژه داخلی این کشورها بوده است. این رقم در کشور عربستان سعودی در برخی از سالها به ۱۵ درصد هم رسیده است.

در آغاز، کشورهای مزبور کسری حسابهای داخلی و خارجی را با برداشت از ذخیره‌های قابل ملاحظه‌ای که در واقع مازاد درآمدهای نجومی سالهای گذشته بود، جبران کردند. اما رفته رفته پس‌اندازهای مزبور ته کشید و در نتیجه به جز شیخ‌نشین امارات متحده، دیگر کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس در جرگه‌ی کشورهای وام‌گیرنده قرار گرفتند.

بدین سان، پس از گذشت دهه‌ها، هنگامی که کشورهای مزبور درخواست وام کردند، کل اقتصاد، عملکرد اقتصادی، ساختار اقتصاد و... آنها، مورد



دفتر عملیاتی شرکت ایران دانش در داخل قرمینال شهید رجایی بندرعباس، بندر شهید رجایی، انبار صادرات شماره ۱۰، طبقه دوم
تلفن / فاکس مستقیم: ۵۶۳۶۴۱ (۰۷۶۱)

MEARSK LINE
SERVICE ALL THE WAY

دفتر بندرعباس: شرکت ایران دانش
بندرعباس، خیابان امام خمینی، ساختمان مجید، طبقه چهارم
تلفن: ۵۵۶۸۶۵ - ۵۵۵۵۲۳
۵۵۵۴۴۳ - ۵۵۵۴۴۹ (۰۷۶۱)
فاکس: ۵۵۱۸۱۶ (۰۷۶۱)

شرکت ایران دانش (سهامی خاص)
نماینده انحصاری کشتیرانی مرسک لاین تهران، خیابان خالد اسلامبولی، شماره ۱۳۱، ساختمان شیراز
صندوق پستی: ۴۴۶۵-۱۴۱۵۵
تلفن: ۸۷۱۱۷۲۲ فاکس: ۸۷۱۴۸۵۱
تلفن: ۲۱۵۵۷۸ MILA IR

سهامی خاص

شرکت ایران دانش
نماینده انحصاری کشتیرانی مرسک لاین
بزرگترین خط کشتیرانی کانتینری در جهان

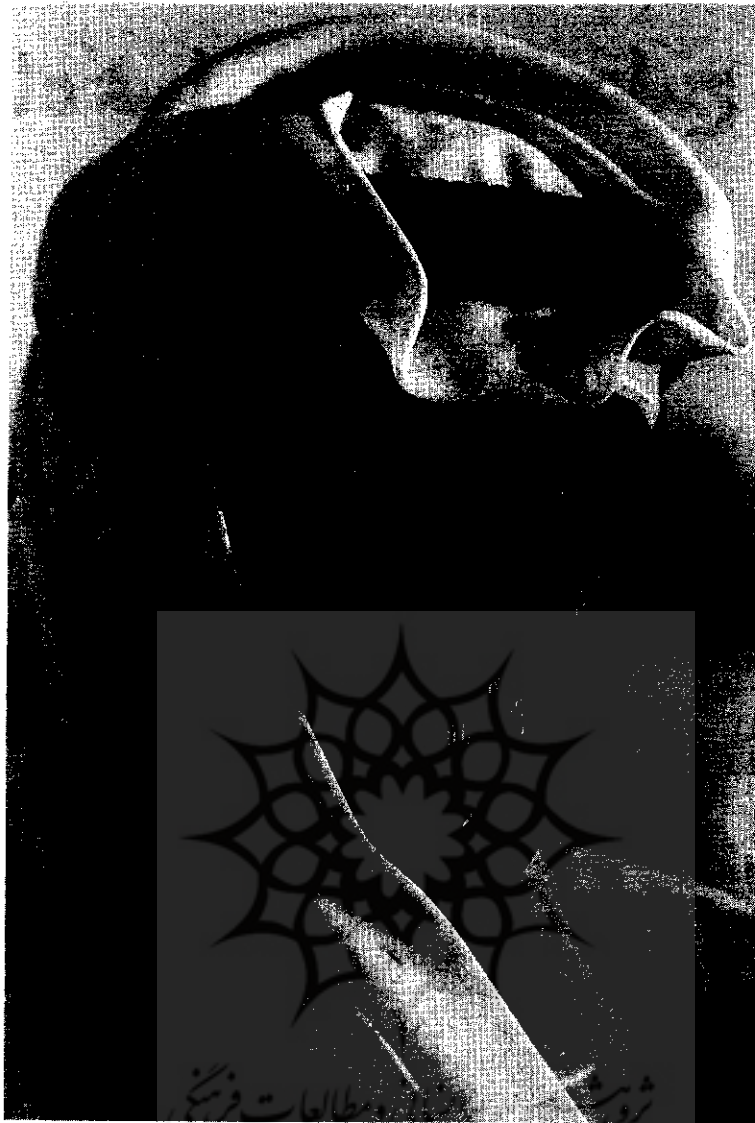
ایسجا، آسجا، همه جا، در دورترین نقاط دنیا
کانتینرهای ما آماده حمل کالای شما می‌باشند

بررسی و نقد مقامات اقتصادی در سطح جهان قرار گرفت. در این مرحله بود که به روشنی آشکار شد در پس آن زرق و برق، ساختار اقتصادی و در نتیجه اجتماعی کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس، دارای چه کژی هایی است.

برای رهایی از مشکلات عظیم اقتصادی که به دنبال کاهش شدید قیمت نفت، کشورهای مزبور با آن روبرو شده بودند، تنها راه درمان را کاهش در هزینه ها یافتند. بدین سان بود که «کاهش هزینه ها» بدل به شعار روزمره شد و به صورت شعار اصلی دولتمردان کرانه‌ی جنوبی خلیج فارس درآمد.

پس از پایان جنگ سرد

مهم‌ترین کاهش بودجه در جهت توازن آن، اقدام ملک فهد در کاهش ۲۰ درصد از هزینه‌ها در دو سال پیش بود. اما، این بحران را تنها با کم کردن هزینه‌ها نمی‌توان بر طرف کرد. گرچه این راه حل در کوتاه مدت برای متوازن کردن بودجه و حساب‌های ملی لازم است، اما چاره اساسی کار نیست. کاهش هزینه‌ها برای اصلاح ساختار اقتصاد، به تنهایی کارساز نخواهد بود. آنچه در عربستان در جهت کاهش



این خنده‌های شادمانه و غرورآمیز در آینده هم ادامه خواهد داشت؟

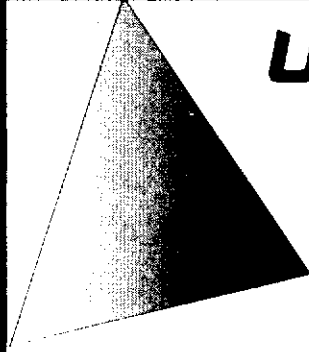
هزینه‌ها انجام شده، در حقیقت کاهش نمی‌شد این ضعف‌ها را پنهان کرد. در این میان، هیچ‌یک

تبدیر در هزینه‌ها. افزون بر آن، کاستن از حجم سرمایه‌گذاری‌ها باعث کاسته شدن از رشد اقتصادی در آینده خواهد بود و نتایج بدخود را در سالهای بعد، بیشتر نشان خواهد داد.

مشکلات امروز کشورهای عربی خلیج فارس، ناشی از افزایش بی‌سابقه قیمت نفت در دهه‌ی ۷۰ و بدست آوردن پولهایی زحمت نکشیده‌ی بی‌حساب است. این پولهای باد آورده و زحمت نکشیده، توازن اقتصادی و اجتماعی کشورهای مزبور را بیش از پیش در هم ریخت. گرچه پیش از آن هم، توازن‌های مزبور ناپسند بود.

سرعت رشد از حساب خارج بود. چهره‌ی بیابانهای جنوب خلیج فارس با کشیدن بزرگراهها، تأسیس دانشگاهها، بیمارستانها، ساختمانها و... دگرگون شده بود. در این میان سازمان سیاسی و اجتماعی منطقه نیز تثبیت شده به نظر می‌رسید. در درازای نزدیک به دو دهه که از آسمان کشورهای مزبور پول فرو می‌ریخت، نظام سیاسی اجتماعی نیز به آرامی کار می‌کرد. اما هنگامی که باران پول کمتر و کمتر شد، همه‌ی ضعف‌های نظام اجتماعی -

سیاسی کشورهای عضو شورای خلیج فارس آشکار گردید. دیگر



رنگ موی ایگورا رویال

تافت ویتامینه

محصولی جدید از شوارتسکف آلمان

نماینده انحصاری فروش: شرکت رخ آرا

کیش: بازار پردیس، شماره ۷۱ تلفن: ۲۶۴۸

کیش: بازار مرجان، غرفه B7 تلفن: ۲۲۲۶



از گروه‌های بزرگ صاحب نفوذ، شامل حکومت‌خاندانهای حکومتگر، بازرگانان و مردم به مفهوم عام، حاضر نیستند چیزی از امتیازاتشان کاسته شود، بلکه می‌کوشند چونان گذشته «حق و حقوق» گروه خود را تمام و کمال دریافت کنند. در حالی که می‌بایست در مفاهیم موجود از دولت، مصرف، اقتصاد و... تجدید نظر کلی بشود. مشکلات بزرگ دیگری که برای این کار وجود دارد عبارتند از روندهای جمعیتی و روندهای اقتصادی-اجتماعی، مانند نرخ بالای رشد جمعیت، روی آوری شدید جمعیت به شهرنشینی، عدم تناسب میان



بخش دولتی و بخش خصوصی در ایجاد اشتغال و بکارگیری نیروی انسانی. این روندها، چیزی نیستند که به سادگی بتوان آنها را در گروگان کرد.

پایان گرفتن جنگ سرد و محور شوروی سابق از صحنه سیاست جهانی، زمینه‌ی جهانی لازم را که کشورهای حاشیه‌ی جنوبی خلیج فارس در آن دوام و قوام یافته بودند، از میان برد. حکومت‌های مزبور، دیگر بهانه‌های لازم را برای ادامه‌ی حکومت‌های قرن هجدهمی خود ندارند و از سوی مردم بطور مرتب برای کسب آزادی‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی زیر فشار قرار دارند.

بدین سان، ادامه‌ی روش گذشته برای حکومت حکام کشورهای مزبور که با روند جامعه‌ی جهانی فاصله و مغایرت زیادی دارد، امکان‌پذیر نیست. اما، آنها نیز مانند بسیاری از کشورهای دیگر که بدنیال فروپاشی شوروی سابق، برای تغییرات بنیادی زیر فشار قرار گرفته‌اند راه دیگری نمی‌شناسند. از این رو، برای تعیین اولویت‌ها، سیاست‌گذاری‌ها، جهت‌گیری‌ها و... بکلی گپج شده‌اند.

از سوی دیگر، همزمان با جابجایی پول و ثروت از خلیج فارس به دیگر مناطق جهان و به ویژه شرق و جنوب شرقی آسیا، رقابت جهانی نیز بدلیل پیدا شدن ظرفیت‌های جدید اقتصادی در جهان، برای سلطه بر بازار افزایش یافته است. در این راستا، با وجود مشکلات فراوان مالی کشورهای جنوبی خلیج فارس، فشار غرب برای ادامه‌ی خریدهای هنگفت تسلیحاتی، افزایش پیدا کرده است.

خرید چند میلیارد دلار جنگ افزار از سوی عربستان سعودی، درست چند ماه پس از اعلام کاهش بودجه این کشور، و ادامه‌ی خریدهای مزبور از سوی همه‌ی حکومت‌های منطقه، دلیل روشنی برای اثبات «فشار» غرب و «دلمشغولی» خاندانهای حکومتگر از امنیت حکومتشان است.

عنوان «معمای لاینحل»، اما «دلخواه»، نام برد. قابل مشاهده است. این معما، هم لاینحل است و هم دلخواه، زیرا هر سه گروه صاحب نفوذ، یعنی وابستگان خاندانهای حکومتگر، بازرگانان بزرگ و توده‌های مردم کوچک و بازار، هم می‌خواهند خدا را داشته باشند و هم خرما را.

خاندان‌های حکومتگر می‌خواهند بار مشکلات و سوء مدیریت خود را، تنها با کاستن از حجم بودجه سبک کنند، بدون این که حاضر باشند دیگران را نیز در

اداره‌ی امور سیاسی و اجتماعی شرکت دهند. یعنی مسایل حل شوند، بدون این که حاضر باشند به کسی حساب، پس بدهند. بازرگانان بزرگ زیر نقاب آزاد کردن اقتصاد و خصوصی کردن بنگاه‌های اقتصادی، در پی آنند تا آرایه‌های سودآور بخش عمومی را به چنگ آورند، بدون این که مسئولیت‌های اجتماعی و اقتصادی آن را بپذیرند. در این میان، مردم کشورهای کرانه‌های خلیج فارس نیز متقاضی مشارکت و دخول در امور سیاسی هستند، اما مایلند در عین حال همان نظام اقتصادی متکی بر «درآمدهای بی زحمت»، یا بر جا بمانند. آنان میل دارند ضمن داشتن قدرت سیاسی، مانند گذشته از خوان گسترده‌ی «مجان» بهره‌مند باشند.

«معمای لاینحل دلخواه»، نمایانگر بی میلی شدید خاندان‌های حکومتگر، بازرگانان بزرگ و توده‌ی مردم برای پایان دادن به «ماه عسل» است. هدف‌های هر سه گروه غیر واقع‌بینانه و متضاد با واقعیت است. در حالی که برای گذر از این مرحله، همکاری میان خاندانهای حکومتگر، بازرگانان عمده و توده‌ی مردم الزامی است. عدم همکاری و رسیدن به یک راه حل میانه به ظهور و رشد آرمانهای افراطی منبذ می‌دهد که خود باعث بسته‌تر شدن فضای سیاسی و در نتیجه افزایش تنش‌ها و لامحاله متلاشی شدن کل نظام، می‌گردد.

امروز، با وجود سرمایه‌گذاری‌های هنگفت دو دهه‌ی گذشته، اقتصادهای منطقه‌ی جنوب خلیج فارس با مسایل جدی‌تر ساختاری روبرو هستند. مسایل امروز، با مسایل پیش از افزایش قیمت نفت در سال ۱۳۵۳، قابل مقایسه نیست و هر روز نیز بر ابعاد آن افزوده می‌شود. با پایان گرفتن «ماه عسل» کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس، «ماه عسل» آمریکا نیز در منطقه خلیج فارس به پایان رسیده است و آنچه که امروز می‌بینیم، مشاجرات سخت خانگی است که گاهی از ترس یا خجالت همسایه، آن را زیاد آشکار نمی‌کنند.

معمای لاینحل اما دلخواه!

تا زمانی که حکومت‌های کرانه‌های جنوبی خلیج فارس، نپذیرند که متعلق به «موزه‌ی تاریخند» و نیاز به تغییر نقش خود را احساس نکنند، هیچ چاره‌اندیشی سیاسی و سیاست‌های معمول اقتصادی، نمی‌تواند کارساز باشد. این مسأله تنها مربوط به خاندان‌های حکومتگر نیست، بلکه در مورد دیگر گروه‌های صاحب نفوذ اجتماعی-اقتصادی نیز صادق است. باید قبول کرد که دست شستن از «ماه عسل» برای هیچ کس کار آسانی نیست.

دولت‌های صادرکننده نفت در خاورمیانه همگی گرفتار یک دور باطل شده‌اند. این دور باطل با انحصار همه‌ی درآمدها از سوی خاندانهای حکومتگر آغاز می‌شود و به «مخالفت زبانی»، دیگر گروه‌های صاحب نفوذ، یعنی بازرگانان بزرگ و مردم کوچک و بازار، می‌کشد. افزایش ناراضیان، شکایت‌ها و... نقطه‌های ضعف ساختار نظام را آشکار می‌کند. حکومت‌ها به جای توجه و اصلاح، بیش از پیش دست به اقدام‌های فاسد انصاف و کارآئی در زمینه‌های اقتصادی و سیاسی می‌زنند. این امر، باعث فلج سیاسی می‌شود و در نتیجه مانع انجام اصلاحات اقتصادی مورد لزوم می‌گردد و باز هم باعث پیچیده‌تر شدن اوضاع سیاسی می‌گردد و...

الگوی بالا، با تغییرات ناچیز در باره‌ی همه‌ی کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس صدق می‌کند. در واقع در حالی که همه باید بخشی از امتیازات خود را در راه سلامت جامعه قربانی کنند، حکومت‌های آسیب‌پذیر منطقه و دیگر گروه‌های اصلی صاحب نفوذ (دربرگیرنده‌ی خاندان‌های وابسته به حکومت، بازرگانان بزرگ و توده‌های مردم کوچک و بازار)، در پی حفظ و افزایش امتیازات خود هستند.

این فراگرد در برخورد حکومت، بخش خصوصی و توده‌های مردم با آنچه که می‌توان از آن به